

نوع مقاله: ترویجی

مقایسه شخصیت علمی علامه مصباح و خواجه نصیرالدین طوسی؛ با رویکرد تربیتی

mohammadehsanni@gmail.com

محمد احسانی / استادیار گروه تربیت و اخلاق جامعه‌المصطفی‌العالمیه

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۴

دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۸

چکیده

مقاله حاضر با عنوان «بررسی و مقایسه شخصیت علمی علامه مصباح و خواجه نصیرالدین طوسی با رویکرد تربیتی» به‌منظور تبیین برخی امتیازات آن دو عالم بین‌المللی شیعی تدوین شده است. این نوشتار به‌دلیل ارتباط مستقیم با متون دینی و آثار مکتوب شخصیت‌های مورد بررسی، باروش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. با وجود فاصله زمانی طولانی زندگی علامه مصباح با خواجه نصیرالدین طوسی، مشابهت آن دو بزرگوار در تحصیل، جایگاه علمی، فعالیت‌های علمی، تربیت شاگرد و آثار تألیفی نسبتاً زیاد است. همان‌گونه که خواجه نصیرالدین در قرن هفتم در موارد یادشده، سرآمد و پرآوازه بود؛ علامه مصباح در عصر حاضر در تنوع آثار، تربیت شاگرد و راه‌اندازی مراکز مؤثر علمی کم‌نظیر است. افزون بر این امتیازات، علامه مصباح از ویژگی‌هایی همچون انگیزه دینی قوی، اندیشه جهانی نشر علوم اسلامی و نیز مدیریت اثربخش برخوردار بوده، که نتایج آن در اکثر مراکز علمی کشورهای مخلف، به‌روشنی مشاهده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مقایسه، شخصیت علمی، علامه مصباح، خواجه نصیرالدین طوسی، رویکرد تربیتی.

مقدمه

استفاده کرد، نقاط مشترک و تفاوت‌های آن دو را مورد پژوهش قرار داد. منظور از مقایسه در این مقاله، بررسی ویژگی‌های دو شخصیت علمی، علامه مصباح یزدی و خواجه نصیرالدین طوسی، و تطبیق آن دو از جهات گوناگون است.

تحصیلات

تحصیلات در حقیقت پایه و اساس شخصیت علمی عالمان دینی و مذهبی را تشکیل می‌دهد که معمولاً از دوره کودکی و نوجوانی شروع و در دوره جوانی به کمال خود می‌رسد. علامه مصباح و خواجه نصیر هر دو، دوره تحصیلات را با وجود فاصله زمانی قابل توجه به صورت شبیه به هم سپری کرده‌اند که به اختصار به آن اشاره می‌شود.

خواجه نصیرالدین طوسی

خواجه نصیرالدین طوسی در سال ۵۹۷ق در طوس، در خانواده مذهبی دیده به جهان گشود. پدر خواجه از علمای مشهور آن زمان و از معتمدین و متنفذین منطقه بود. او دوره کودکی را در آغوش پرمهر پدر و مادر گذراند و درس محبت و ایثار و خدمت به مردم و اخلاق حسنه را از محیط خانواده آموخت. شخصیت نصیرالدین طوسی همانند دیگر مردان بزرگ تاریخ در همان دوره کودکی در اثر تربیت مربی دلسوزی، پدر مهربانش محمد طوسی شکل گرفت و رشدونمو کرد. حتی در آخرین لحظات زندگی خویش به فرزندش وصیت کرد که هر جا عالم و دانشمندی را دید، نزد او رفته، علم بیاموزد (طوسی، ۱۳۳۵، ص ۲۸). خواجه نصیر با استعداد سرشار و فوق‌العاده‌ای که داشت، براساس عشق و علاقه درونی و تشویق و ترغیب پدر از ابتدا، زندگی را با تحصیل و فراگیری علم و دانش آغاز کرد. او نخست ادبیات عرب، قرائت و معارف قرآن، تا حدودی احادیث و اخبار را از پدرش که با واسطه از شاگردان سید مرتضی علم‌الهدی و شیخ طوسی بود، آموخت؛ سپس کلیات منطق و حکمت و اجمال فقه و اصول را در نزد دایی‌اش *بابا افضل الکاظمی* و دایی پدرش نصیرالدین عبدالله طوسی فراگرفت (فرحات، ۱۴۰۶ق، ص ۱۶).

خواجه همان‌گونه که خود در رساله «سیر و سلوک» ابراز می‌دارد، در این دوره ریاضیات را به سفارش پدرش از محضر *کمال‌الدین حاسب* استفاده کرده است (طوسی، ۱۳۳۵، ص ۳۸).

دو شخصیت علمی جهان اسلام، یعنی *خواجه نصیرالدین طوسی* و علامه *محمدتقی مصباح یزدی* یکی مربوط به سده هفتم هجری و دیگری از علمای معاصر با فاصله زمانی حدود هشت قرن یک‌سری شباهت‌هایی با هم دارند، که طبعاً از امتیازات مهمی نیز برخوردار هستند. این مقاله به‌منظور آشناسازی نسل جوان با این دو شخصیت علمی جهان تشیع، و نیز معرفی آنها به مردم و مخصوصاً دانشمندان و فرهیختگان جهان اسلام، تدوین یافته است. براین‌اساس، سؤال اصلی تحقیق این است که شباهت‌ها و امتیازات شخصیت علمی *خواجه نصیر طوسی* و علامه *مصباح* کدامند؟ سؤال‌های دیگری نیز در ارتباط با سؤال اصلی مطرح است: (۱) به لحاظ تحصیلات چه شباهت‌هایی با هم دارند؟ (۲) شباهت‌های آن دو در فعالیت‌های علمی و فرهنگی چیست؟ (۳) در حوزه سیاست و اجتماع چه شباهت‌هایی دارند؟ (۴) در تربیت شاگرد چه شباهتی با هم دارند؟ (۵) در تولید آثار چه تشابهی بین آن دو عالم دینی وجود دارد؟

به این سؤالات براساس منابع موجود و با روش توصیفی - تحلیلی پاسخ داده شده است. هدف از این تحقیق همان‌گونه که اشارت رفت، آشناسازی نسل جوان به دو عالم بزرگ شیعی *خواجه نصیرالدین طوسی* و علامه *مصباح یزدی* است. این موضوع از یک‌سو، موضوع جدید است و تاکنون کاری در این زمینه صورت نگرفته و از سوی دیگر، واکاوی شخصیت و خدمات علمی و فرهنگی عالمان اسلام به‌عنوان وظیفه دینی و فرهنگی، لازم به نظر می‌رسد. از این‌رو، سعی بر این است مقاله حاضر با استفاده از منابع موجود در کتابخانه‌ها و سایت‌های معتبر و نیز از آثار آن دو شخصیت برجسته علمی بررسی گردد.

مقایسه دو شخصیت علمی

کلمه «مقایسه» از ریشه «قایس» بر هیئت مفاعله به‌معنای مشارکت (عرب خراسانی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۹)، سنجش، ارزیابی، اندازه‌گیری و مانند آن به مفهوم عام بیانگر رابطه دوجانبه بین دو چیز مشابه است که نقاط مشترک و متمایز آن دو را بررسی می‌کند. این مفهوم در اشیای مختلف کاربرد گسترده دارد و هر چیزی را می‌تواند با مشابه آن بررسی کند و بسنجد (آذرتاش، ۱۳۸۱، ص ۵۷۰)؛ ازجمله در مقایسه میان دو انسان نیز می‌توان از آن

و قسمت عمده رسائل و مکاسب محرمه را تا سال ۱۳۳۰ به پایان رساند (همان، ص ۲). سپس در سال ۱۳۷۱ ق عازم نجف شد و پس از یک سال برای ادامه تحصیل به قم هجرت کرد و حدود ۸ سال به طور مداوم در درس فقه آیت‌الله حسین بروجردی شرکت کرد. ایشان ۸ سال در دروس خارج فقه و اصول امام خمینی^ع شرکت داشت. ۱۵ سال در درس خارج فقه آیت‌الله بهجت و ۲ سال از محضر آیت‌الله اراکی بهره برده است (همان).

علامه مصباح به مدت ۱۴ سال درس عمومی تفسیر و فلسفه و ۱۰ سال درس اخلاق و عرفان را به صورت خصوصی از محضر علامه طباطبائی فراگرفت (صنعتی، ۱۳۸۷، ص ۴۴). ایشان در استفاده خود از دروس علامه طباطبائی می‌فرماید: «ما در طول عمر خودمان به دنبال یک فرد مهذب و متقی که هم فقیه باشد، هم به فلسفه اسلام آشنا باشد و هم به عرفان آشنا باشد، می‌گشتیم و بحمدالله این گوهر گران بها و کمیاب را پیدا کردیم» (همان). علامه مصباح همزمان از شاگردان به نام آیت‌الله بهجت در فقه و عرفان به شمار بود. آیت‌الله بهجت با تأیید علامه مصباح او را به عنوان مربی اخلاق به بازاریان قم معرفی کرد، «بروید از ایشان بخواهید و من هم از ایشان می‌خواهم که درس اخلاق را بیان کنند» (همان). ایشان با فهم عمیق و توان یادگیری بالایی که داشت، در سن ۲۵ سالگی به درجه اجتهاد نائل آمد (دفتر ارتباطات فرهنگی، ۱۳۹۹).

بررسی

نگاه تربیتی به دوره تحصیلات دو دانشمند بزرگ جهان اسلام، نشان‌دهنده این نکته مهم است که آن دو بزرگوار در عین فاصله زمانی بسیار طولانی در فراگیری علم شباهت‌های قابل توجه با هم دارند. وجه اشتراک ایشان زانو زدن در مقابل استادان، تلاش و فعالیت مستمر، تحمل سختی‌های طاقت‌فرسا، مطالعات دقیق متون دینی و مانند آن است. این امر نشان می‌دهد که در هر دوره‌ای اگر طلاب به چنین روشی متعهد باشند، بدون شک به مراتب بالای علمی دست خواهند یافت. به قول سعدی شیرازی، نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود؛ مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد (سعدی، ۱۳۵۹، قصیده ۱۲). پیام مهم این مقایسه دو دانشمند جهان اسلام، الگوگیری از آنان است که مخصوصاً محصلان جوان، اعم از طلبه و دانشجو باید از این دو شخصیت علمی و شیعی در مسیر فراگیری علوم رایج حوزه و دانشگاه

خواجه بر اثر توان بالای یادگیری، علوم رایج در طوس را در مدت نه‌چندان زیاد از محضر علمای آنجا فراگرفت؛ به گونه‌ای که دیگر کسی پاسخگوی سؤالات او نبود. از این رو، وی جهت ادامه تحصیل به نیشابور، که یکی از مراکز مهم علمی آن روز بود، هجرت کرد. خواجه جوان در آن مجمع علمی بزرگ از محضر دانشمندان مشهور نیشابور چون قطب‌الدین مصری، کمال‌الدین موصلی و دیگر بزرگان، علم و حکمت، آموخت. کتاب *اشارات ابن‌سینا* را نزد فریدالدین داماد که با سه واسطه شاگرد بهمینار، یعنی سرآمد دانش‌آموختگان ابن‌سینا بود، فراگرفت (دوانی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۸۷). خواجه نصیر فقه و اصول را نیز در نیشابور نزد استادانی همچون شیخ برهان‌الدین حمدانی تکمیل کرد که ایشان اجازه‌نامه بلندی را در سن ۲۲ سالگی برای خواجه صادر کرد (خوانساری، بی تا، ج ۶، ص ۳۰۶).

خواجه علاوه بر علوم اسلامی در سایر شاخه‌های علمی آن روز هم تخصص کامل پیدا کرد. او دانش پزشکی را از حکیم و پزشک نامی، قطب‌الدین مصری تلمذ کرد؛ به نحوی که در مداوای بیماران مهارت کافی پیدا کرد. خواجه در مدت اقامت در نیشابور در حد توان به اندوخته‌های علمی خود افزود و سرانجام این فراز از زندگی ایشان با حمله مغولان به خراسان و نیشابور پایان یافت. بر اثر هجوم وحشیانه لشکر مغول به نیشابور، خواجه مانند دیگران از بیم و خوف مهاجمان خود را به زادگاه اصلی‌اش طوس رسانید. چند سالی در طوس بود و در این مدت، به مطالعات فردی پرداخت، آن گونه که از متون تاریخی برمی‌آید، او بیشتر آثار ابن‌سینا را مورد دقت و بررسی قرار داد (همان).

علامه مصباح یزدی

علامه محمدتقی مصباح یزدی در سال ۱۳۱۳ خورشیدی در شهر یزد در خانواده متدین و مذهبی به دنیا آمد. پدر ایشان مرحوم محمدباقر گیوه‌چی از افراد مؤمن یزد بود که شغل جوراب‌بافی داشت. ایشان دوره کودکی را در خانواده‌ای متدین سپری کرد و با تشویق نزدیکان از جمله شیخ احمد آخوندی، مقسم آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی در نجف، فعالیت طلبگی را انتخاب و پیشه خود قرار داد (دفتر ارتباطات فرهنگی، ۱۳۹۹). علامه مصباح تحصیلات ابتدایی خود را در هفت سالگی آغاز کرد. ایشان با کسب نمره عالی به‌عنوان نفر اول استان، در سال ۱۳۲۶ وارد حوزه علمیه یزد شد و دروس مقدمات، منطق، معانی و بیان، شرح لمعه و قوانین

درس بگیرند و مانند آن دو عالم بزرگ فعالیت علمی داشته باشند، تا به درجات عالی معارف دینی و بشری نائل آیند.

مقام علمی

مقام علمی علما و دانشمندان حوزوی و دانشگاهی مفهومی انتزاعی است که از اندوخته‌های علمی، فرهیختگی، فعالیت‌های آموزشی - پژوهشی و آثار گفتاری و نوشتاری و همچنین تأسیس مراکز علمی و تحقیقی و آثار تألیفی گرفته می‌شود. *خواجه نصیر و علامه مصباح* از جمله دانشمندان به‌نامی هستند که فعالیت‌های ممتازی در این زمینه‌ها دارند و به خوبی مقام علمی آنان را نشان می‌دهند.

خواجه نصیرالدین طوسی

فیلسوف پرآوازه، حکیم بزرگ و دانشمند نامدار شیعی *ابوجعفر محمدبن حسن معروف به «خواجه نصیرالدین طوسی»*، سرآمد حکما و فلاسفه و دانشمندان قرن هفتم هجری است، که القاب بلندی همچون «استاد البشر»، «استاد الحکماء و المتکلمین»، «مفخرالعلماء والاکابر» و امثال آن را به خود اختصاص داد. او یکی از چهره‌های درخشان علم، حکمت، دانش و معرفت در تاریخ بشر بوده که نظیر او را در ادوار گذشته و حال کمتر می‌توان یافت (اعسم، ۱۹۸۰م، ص ۲۴). *علامه قاضی نورالله شوشتری* در توصیف مقام علمی *خواجه* می‌گوید: معالم تحقیقات *ابوعلی سینا* را که به تصادم شبهات *ابوالبرکات یهودی* و تشکیکات *فخرالدین رازی* نزدیک به اندراس بود، از غایت غلو حکمت و کمال ادراک، استدرک کرد و ایرادات ایشان را از ریشه ابطال کرد (شوشتری، ۱۳۷۶ق، ص ۲۰۱).

تعبیر به کاررفته درباره *خواجه نصیر*، نظیر «استاد البشر»، «استاد الحکماء و المتکلمین»، «مفخرالعلماء والاکابر» و امثال آن، که در منابع تاریخی و فرهنگی آمده، هر کدام بیانگر شخصیت علمی و جایگاه بلند *خواجه* در میان دانشمندان مسلمان در طول تاریخ بوده است. القابی که کمتر برای دیگر علمای اسلام به کار رفته است.

شیخ *برهان‌الدین حمدانی* استاد فقه و اصول *خواجه نصیر* در اجازه‌نامه اجتهاد که در سن ۲۲ سالگی *خواجه* صادر کرد، این‌گونه از او تجلیل کرده است: «الامام الاجل، العالم الافضل، الاكمل الاورع، المتقن المحقق، نصیر الملة والدین، وجیه الاسلام و المسلمین، سیدالائمة والافاضل، مفخرالعلماء و الاکابر و افضل اهل الخراسان،

محمدبن الحسن الطوسی و اذنت له فی روایة جمیعه». از این اجازه‌نامه به دست می‌آید که *خواجه نصیر* در سن جوانی به مرتبه بالای علمی رسیده و ضمن کسب شایستگی‌های لازم، به درجه رفیع اجتهاد و فتوا و نظریه‌پردازی در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی دست یازیده است. او همچنین علم روایت و درایت را در همانجا به خوبی فراگرفت و اجازه روایت حدیث را از شیخ *منتجب‌الدین قمی* دریافت کرد (اعسم، ۱۹۸۰، ص ۳۰).

علامه مصباح

علامه مصباح همانند *خواجه نصیر طوسی*، از مقام علمی شایسته و ممتازی برخوردار است؛ به نحوی که موافق و مخالف و دوست و دشمن به درجه بالای علمی ایشان اذعان دارند (alef.ir/news). هرچند بررسی شخصیت علمی *آیت‌الله مصباح* به فرصت مناسب نیاز دارد و در یک مقاله نمی‌گنجد؛ ولی در عین حال در این فراز از نوشتار تنها از دو طریق به تبیین شخصیت علمی ایشان اشاره می‌شود که هر کدام عظمت علمی *علامه مصباح* را به خوبی نشان می‌دهد.

مناظرات علمی

مناظره علمی از روش‌های رایج در مباحث اصلی مربوط به دین و مذهب و مسائل سیاسی اجتماعی است که اغلب به موضوعات مبنایی و نظری توجه دارد. این روش در سیره *معصومان* اعم از شخص رسول الله ﷺ و ائمه اطهار ﷺ ریشه دارد و قابل پیگیری است. قصه مباحثه در قرآن میان پیامبر اسلام و علمای مسیحی نجران نمونه‌ای از مناظرات رسول خدا با مخالفان است که در آیه ۶۰ سوره «آل عمران» تصریح شده است. مناظرات امامان معصوم جریان مفصل دارد که در منابع تاریخی و به‌ویژه *احتجاج طبرسی* ذکر شده است (ر.ک: طبرسی، ۱۳۸۱). در این مناظرات، هم جایگاه علمی *معصومان* برای حاضران روشن شد و هم مخالفان به مقام علمی ایشان و ضعف خودشان اعتراف کردند (همان).

مناظرات علمی *علامه مصباح* با اندیشمندان مخالف فکری، سیاسی و ایدئولوژیکی قابل توجه است و دقت در آنها هر آدم منصفی را به اذعان در عمق علمی و گستره فکری ایشان وامی‌دارد. تعداد ۱۸ مناظره علمی *علامه مصباح* در کتاب *گفتمان مصباح* با جزئیات به تفصیل ذکر شده که مطالعه آنها انسان را به وسعت علمی

پیوند طولانی علامه مصباح با مقام معظم رهبری است؛ گواه برجستگی علمی و دانش سرشار وی از دیرزمان است. همترازی علامه مصباح با آیت‌الله جوادی آملی در کلام رهبری گواه دیگر بر شخصیت علمی اوست؛ چه اینکه آیت‌الله جوادی آملی از مراجع مسلم تقلید و متخصص در علوم عقلی و نقلی است و از همان اوایل انقلاب مورد توجه حوزه‌های علمیه و شخص امام خمینی^ع بوده است. به همین دلیل حضرت امام، ایشان را به‌عنوان سفیر تبلیغی خویش از کشور جمهوری اسلامی به بلاد کفر (شوروی سابق) اعزام کرد.

از جمله توصیف‌های ماندگار رهبر معظم انقلاب از شخصیت علمی علامه مصباح این است که فرمود: «بنده نزدیک به چهل سال است که جناب آقای مصباح را می‌شناسم و به ایشان به‌عنوان یک فقیه، فیلسوف، متفکر و صاحب‌نظر در مسائل اساسی اسلام ارادت قلبی دارم» (صنعتی، ۱۳۸۷، ص ۹۱۶). آنچه بیش از همه مقام علمی و شخصیت ممتاز علامه مصباح را در بیان و قلم مقام معظم رهبری نشان می‌دهد، تعابیر والا و ارزشمندی است که در پیام تسلیت ایشان به مناسبت رحلت این عالم فرزانه به کار رفته است: «عالمی ربانی، فقیه و حکیم مجاهد، متفکری برجسته، مدیری شایسته، دارای زبان گویایی در اظهار حق و پای با استقامتی در صراط مستقیم» (دفتر ارتباطات فرهنگی، ۱۳۹۹، ص ۶)، عباراتی هستند که در تمجید از شخصیت علامه مصباح مشاهده می‌شوند. همچنین رهبر معظم انقلاب ارتحال آیت‌الله مصباح را خسارتی برای حوزه علمیه و حوزه معارف اسلامی دانستند» (همان).

بررسی

خواجه نصیرالدین و علامه مصباح براساس شواهد متعدد، هر دو از جایگاه علمی رفیعی در حوزه‌های علمیه و حتی سطح جهان برخوردارند؛ ولی آنچه موقعیت علمی علامه مصباح را متمایز می‌کند، مناظرات علمی ایشان با روشن‌فکران و مخالفان نظریه ولایت فقیه است. همان‌گونه که اشارت رفت از برجستگی‌های منحصر به فرد آیت‌الله مصباح در حوزه‌های علمیه و جهان معاصر زبان گویا و استدلال قوی ایشان در بحث و گفت‌وگوهای دینی، اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و... است که در مناظرات بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به‌خوبی نمایان شده است. در این مناظرات عمق فکری، گستره علمی، شجاعت علمی، پاسخ‌گویی مناسب به طرف مقابل و همچنین حضور ذهن قوی ایشان به‌روشنی آشکار گردید. از این جهات

ایشان هدایت می‌کند. از باب نمونه مناظره علامه مصباح با دکتر سروش در موضوع «قبض و بسط تئوریک شریعت»، مهم‌ترین مناظره ثبت‌شده در این کتاب است که نشان‌دهنده گستره علمی علامه مصباح در علوم دینی و انسانی است. البته این مناظره چندین بار به صورت عمومی چند نفری و خصوصی میان علامه مصباح و سروش رخ داده است (ر.ک: صنعتی، ۱۳۸۷، ص ۵۳۱). همچنین مناظرات علامه مصباح پیرامون موضوع خشونت و ولایت فقیه در این اثر منتشر شده، که ابعاد گوناگون آن دو موضوع، جنبه فقهی، فرهنگی - تربیتی و اجتماعی - سیاسی علامه مصباح را به خوبی نشان می‌دهد (ر.ک: همان). در مجموع از مناظرات آیت‌الله مصباح برتری و غلبه ایشان در مباحث مورد مناظره بر مخالفان و نیز عمق علمی او در حوزه‌های گوناگون به‌روشنی قابل استفاده است.

سخنان بزرگان دین و سیاست

راه دوم برای تبیین شخصیت علمی علامه مصباح، سخنان بزرگان دین و دانش در مورد ایشان است، که تقریباً همه علمای طراز اول معاصر به شخصیت ممتاز و عمق علمی ایشان صحنه گذاشته‌اند. در این فراز از نوشتار برای دوری از اطاله سخن، تنها به سخنان و تأییدات آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در مورد ایشان بسنده می‌شود. رهبر معظم انقلاب بارها به تجلیل و تمجید از مقام علمی علامه مصباح پرداخته و سخنان بلندی در تأیید شخصیت ایشان بیان داشته است. خاستگاه مبانی فکری اسلام، عقبه تئوریک نظام، بصیر به‌معنای حقیقی کلمه، چهره برجسته عالم تشیع، برکت ماندگار حوزه علمیه و مانند آن، از جمله تعابیری هستند که رهبر معظم انقلاب چه به صورت صریح و چه ضمنی درباره علامه مصباح به کار برده است (دفتر ارتباطات فرهنگی، ۱۳۹۹، ص ۵). هر کدام از این عبارات به تمجید و تجلیل از شخصیت علمی علامه مصباح دلالت دارد که درباره افراد دیگر به‌ندرت می‌توان چنین توصیفی از رهبر معظم انقلاب پیدا کرد.

رهبر معظم انقلاب در حکم انتصاب آیت‌الله مصباح به‌عنوان عضو شورای عالی مجمع جهانی اهل‌بیت^ع در تاریخ ۱۳۷۰/۱۱/۹ فرمود: «از لحاظ معارف عقلانی و فلسفی اسلامی، ما امروز چه کسی را داریم؟ مثلاً آقای مصباح و آقای جوادی آملی را در قم داریم» (صنعتی، ۱۳۸۷، ص ۶۱۵). نام بردن از علامه مصباح در کنار آیت‌الله جوادی آملی حدود ۳۰ سال پیش از این، افزون بر اینکه نشان‌دهنده

علامه مصباح شخص کم‌نظیر یا بی‌نظیر در حوزه علمیه بود که در همان آغاز بحث مخالفان را زمینگیر می‌کرد. از این‌رو، سخنان بزرگان و به‌ویژه مقام معظم رهبری از ایشان تأییدکننده اوصاف پیش گفته اوست.

فعالیت‌های علمی

فعالیت‌های علمی و آموزشی از معیارهای مهم در کسب امتیاز و برانزگی علمای حوزه و دانشمندان دانشگاهی است که در مورد علامه مصباح و *خواجه نصیرالدین* نیز قابل تطبیق است. این دو عالم دینی از این جهت، عملکرد شایسته و ممتازی داشته که در این بخش از نوشتار به آن پرداخته شده است.

خواجه نصیرالدین طوسی

خواجه نصیرالدین از جمله علمای معدودی شیعی است که در دوران حیات پربار خویش خدمات علمی، مذهبی و اجتماعی شایانی را انجام داد و این فعالیت‌های *خواجه نصیر*، موجب نشر معارف اهل‌بیت^ع در جهان و پیشرفت علوم اسلامی و انسانی در جامعه گردید. در اینجا به نمونه‌هایی از فعالیت‌های *خواجه نصیر* اشاره می‌شود.

ترویج مذهب تشیع

خواجه نصیر دورانی طولانی را گاه به صورت تحت‌نظر و گاه به شکل زندانی در سیطره حکومت اسماعیلیان سپری کرد. یکی از فعالیت‌های مهم *خواجه نصیر*، ترویج و تثبیت مذهب تشیع دوازده امامی بود که در دوران اسماعیلیه جز مذهب اسماعیلی دیگر مذاهب در انزوا قرار داشت (ر.ک: دوانی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۹۲). ایشان با بهره‌مندی از نبوغ علمی و توان بالای مدیریتی توانست اعتماد سران مغول، مخصوصاً هلاکو را به خود جلب کند و از این طریق به نفع اسلام و مسلمانان و به‌ویژه شیعیان خدمت کند. او در عهد مغول از آزادی بیشتری برخوردار بود و از این‌رو، بلافاصله پس از رهایی از حصار اسماعیلیه در سال ۶۵۴ ق، یعنی یک سال بعد از سقوط حکومت اسماعیلی، عقیده درونی خود را آشکار کرد و رسماً اعلان کرد که او شیعه دوازده امامی است (نعمت، ۱۳۶۷، ص ۲۸۶).

از آنجاکه *خواجه نصیر* ایمان راسخ به اهل‌بیت^ع داشت و نجات دنیا و آخرت را در هدایت و کمک ایشان می‌دید، هنگام وفات، حرم کاظمین را آرامگاه ابدی خویش انتخاب کرد. او به بستگان و شاگردان وصیت

کرد که بعد از وفات، جنازه وی را در حرم مطهر کاظمین به خاک سپارند. شاگردان و بازماندگان بدن *خواجه* را طبق وصیتش پایین پای امامین جوادین به خاک سپردند و بالای قبرش نوشتند: «وَكَلَّمَهُمْ بِاسِطُ ذِرَاعِيهِ بِالْوَصِيدِ» (کهف: ۱۸)؛ یعنی این سگ آستان مقدس امامین هم‌امین است که به ایشان پناه آورده است (غیاثی کرمانی، بی‌تا، ص ۷).

نجات علمای بلاد اسلام

خواجه نصیر، علاوه بر فعالیت‌های علمی و فرهنگی و تبیین معارف اسلامی، به‌عنوان یک عالم دین و مصلح بشر، خدمات ارزنده‌ای را در روزگار تاریک و وحشتناک تهاجم لشکر مغول به بلاد اسلامی انجام داد که یکی از نمونه‌های بارز آن، نجات جان هزاران مسلمان بی‌گناه و ده‌ها عالم و دانشمند و حفظ آثار گذشتگان از قتل و غارت و نابودی است. او توانست باتدبیر درست بسیاری از حکما، اطبا، علما، فقها و ارکان حیات علمی و تمدن اسلامی را نجات دهد (دوانی، ۱۳۶۴، ج ۷، ص ۴۱۰). به اعتراف همه تاریخ‌نویسان، اگر تدبیر سنجیده و عالمانه *خواجه* در برابر تهاجم وحشیانه مغولان و جلوگیری ایشان از قتل و غارت مردم مظلوم و بی‌دفاع ایران زمین به وسیله لشکریان لجام‌گسیخته چنگیز و پیروانش نبود، به‌یقین شهرهای مورد تهاجم، سرنواشی جز ویرانی و نابودی نداشتند (یادنامه *خواجه نصیرالدین طوسی*، ۱۳۳۶، ص ۷۸).

از آنجاکه *خواجه نصیر* از علم و دانش فراوان بخصوص علم هیأت و نجوم بهره‌مند بود، برخلاف انتظار مورد تکریم و احترام شخص *هلاکوخان* قرار گرفت و حتی در اداره امور مملکت به او مشورت می‌داد و حاکمیت هم به راهنمایی‌های *خواجه* عمل می‌کرد (قمی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۰۵). *خواجه طوسی* در این دوره، به مرتبه‌ای رسیده بود که در زمره ندیمان و خواص *هلاکو* قرار گرفت و در حضر و سفر، از جمله در حمله *هلاکو* به بغداد و سوریه همراه او بود و نامه‌هایی به‌عنوان منشی از زبان وی به افراد و شخصیت‌های مختلف جهان ارسال می‌شد. *خواجه* با استفاده از موقعیت خود در نزد زمامداران مغول، مانع نابودی بسیاری از فلاسفه و دانشمندان مسلمان شد و همین‌طور از وحشی‌گری‌های بی‌حدوحصر آنان تا آن اندازه که برایش ممکن بود، جلوگیری کرد. *خواجه* به خاطر دوری از مسائل اختلافی، منصب سیاسی اختیار نکرد و به مشاوره دادن به سلاطین مغول اکتفا کرد (نعمت، ۱۳۶۷، ص ۲۸۶). او با این انتخاب

علامه مصباح یزدی

خدمات علمی علامه مصباح، همانند خواجه نصیر بسیار وسیع، تأثیرگذار و متنوع است که از نظر زمانی چند دهه را فرا می‌گیرد. ایشان قبل از انقلاب همراه با بزرگان حوزه علمیه قم از قبیل شهید بهشتی، شهید قزوینی، ربانی شیرازی و امثال آنان در مدرسه حقانی فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی - اجتماعی داشتند. علامه مصباح خود در این زمینه اظهار دارد که شهید بهشتی و دیگر بزرگان حوزه با اجازه آیت‌الله العظمی گلپایگانی مدرسه‌ای به سبک جدید، به نام مدرسه «منتظریه»، معروف به «مدرسه حقانی»، جهت تغییر در روش آموزش حوزه، تأسیس کردند. در همین راستا از علامه مصباح دعوت به عمل آمد تا در آن مدرسه تدریس کند. ایشان طبق ابتکار و نظر خودش تدریس دروس مختلفی را در آن مدرسه آغاز کرد (صنعتی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۶).

مؤسسه در راه حق

علامه مصباح به دلایل متعدد از جمله پاسخگو نبودن مدرسه حقانی به نیازهای آموزشی و تقاضای علاقه‌مندان به تحصیل در علوم جدید، درصد ایجاد مرکز آموزشی دیگری بود تا برنامه‌های آموزشی وسیع‌تری را در آنجا سامان دهد. مؤسسه در راه حق که یک فضای آماده برای جذب طلاب و ارائه خدمات آموزشی به فراگیران بود؛ به‌عنوان فضای تعلیمی استاد، با سبک جدید قرار گرفت. در این مرکز گروه‌های مختلف علمی در رشته‌های گوناگون ایجاد و تدریس دروس جدید را در آنجا آغاز کرد (عربی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۲). نگارنده از جمله کسانی است که در سال ۱۳۶۵ در مؤسسه در راه حق در گروه «ط» پذیرش شد و به مدت پنج سال در آن مرکز با رکت تحصیل کرد. انتقال فعالیت آموزشی علامه مصباح به مؤسسه در راه حق و همچنین برنامه‌ریزی و ارائه دروس علوم اسلامی انسانی به سبک نوین، نشان‌دهنده تحول عظیم در نظام آموزشی حوزه علمیه تلقی می‌شد که پیش از آن سابقه نداشت. دوره‌های زبان انگلیسی، ریاضی، آمار، فلسفه، روان‌شناسی، اقتصاد و مانند آن در این مرکز، آموزش داده می‌شد که خود گویای تغییر و تحول در آموزش حوزه علمیه به‌شمار می‌رفت.

بنیاد فرهنگی باقرالعلوم

شاید همان علت انتقال فعالیت آموزشی علامه مصباح از مدرسه حقانی به مؤسسه در راه حق، باعث شد که ایشان مرکز بهتر و وسیع‌تری برای ادامه فعالیت در نظر گیرد. از این رو، «بنیاد فرهنگی

در حقیقت توانست هم در اداره امور مملکتی ایفای نقش کند و هم به فعالیت‌های دینی و علمی خود بپردازد.

تأسیس رصدخانه مراغه

مهم‌ترین فعالیت علمی خواجه نصیرالدین که شهرت جهانی پیدا کرد؛ تأسیس رصدخانه معروف مراغه بود. رصدخانه به همت او و همکاری‌اش در دوران پرتیهاب تأسیس گردید. خواجه، علاقه‌مند به فعالیت‌های علمی بود و با روش خاصی موفق به جلب رضایت هلاکوخان در ساخت رصدخانه مراغه شد و با دعوت مهندسان و فراهم ساختن امکانات لازم، به ساخت آن بنای مهم اقدام کرد. او به مدت دوازده سال آن پروژه بزرگ را به اتمام رساند و مورد بهره‌برداری قرار داد. ایشان کتابخانه بزرگی نیز در کنار رصدخانه بنا کرد که به گفته اغلب تاریخ‌نویسان چهارصد هزار جلد کتاب در آن جمع‌آوری شد و بسیاری از کتب موجود در کتابخانه‌های بغداد و شهرهای مهم دیگر آن روز که در حال نابودی بودند را به آنجا منتقل کردند (یادنامه خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۳۶، ص ۷۸).

تأسیس رصدخانه مراغه، خدمت بزرگی به علمای رنج‌کشیده آن دوره از ظلم مغولان بود و باعث شد عالمان پراکنده در اقصی نقاط جهان را در مرکز رصدخانه گرد آورد؛ هم حیات آنها را حفظ کند و هم رشد علمی جهان اسلام را دوباره از سر گیرد. هلاکوخان در اثر اعتمادسازی خواجه از برنامه‌های او حمایت کامل می‌کرد و به همین علت، ریاست کل اداره اوقاف را به او واگذار کرد. براین اساس، بسیاری از درآمدهای اقتصادی کشور پهناور مغول، به‌ویژه اوقاف، زیر نظر خواجه اداره می‌شد. خواجه از درآمد اوقاف عمدتاً در جهت تأمین نیازهای مدارس و مراکز علمی استفاده می‌کرد. نمونه بارز آن، ایجاد رصدخانه مراغه بود که علما و حکمای اسلامی را اعاشه می‌داد و مقرری دائم برای آنها پرداخت می‌کرد. بدین وسیله هم دانشمندان را از گزند مغولان حفظ کرد و هم آنان را به فعالیت‌های علمی وادار ساخت (نعمت، ۱۳۶۷، ص ۲۸۷). خواجه نصیر تا آخرین روزهای زندگی، با سلاطین مغول قرین و هم عصر و همکار بود. او به لحاظ موقعیت علمی و اجتماعی خویش، مسافرت‌های متعددی به اطراف و نواحی مملکت داشت و در فتح بغداد نیز همراه هلاکو بود. خواجه آخرین بار، در دوره حکومت ایلخان فرزند هلاکو جهت حسابرسی موقوفات به بغداد رفت و پس از یک ماه اقامت در آنجا، بیمار شد و سرانجام در روز عید غدیر سال ۶۷۲ هجری قمری دیده از جهان فرو بست (مدرسی رضوی، ۱۳۷۰، ص ۵۹).

باقرالعلوم» در فاصله نه‌چندان دور از مؤسسه در راه حق، از مراکز نسبتاً پیشرفته و به‌روز آن زمان بود که با انتخاب علامه مصباح، محل آموزش رشته‌های گوناگون علمی در سطح کارشناسی و ارشد قرار گرفت. این مرکز علمی و آموزشی به نوبه خود از امکانات و تجهیزات بیشتری نسبت به مؤسسه در راه حق برخوردار بود. گروه‌های تخصصی در رشته‌های مختلف علوم انسانی، فلسفه و کلام با استانداردهای دانشگاهی در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم ایجاد و اقدام به فعالیت کردند. استادان دانشگاه از تهران و اصفهان و... دعوت، و در این مرکز به تدریس می‌پرداختند. گاه محصلان به منظور استفاده از اساتید بهتر، راهی تهران و شهرهای نزدیک به قم می‌شدند، تا از استادان سطح عالی دانشگاه‌ها بهره ببرند.

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

علامه مصباح یزدی به علت علاقه شدید به نشر معارف اسلامی انسانی، بلندمندی و آینده‌نگری، به مراکز آموزشی پیش‌گفته بسنده نکرد؛ بلکه همواره درصدد توسعه آموزش‌های علمی، هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی بود. از این‌رو، مؤسسه در راه حق و بنیاد فرهنگی باقرالعلوم در عین به‌روز بودن و داشتن امکانات نسبتاً مطلوب، جوابگوی برنامه‌های آموزشی ایشان نبود. مؤسسه مبارکه آموزشی و پژوهشی امام خمینی در واقع، محصول تفکر بلند و اندیشه ژرف علامه مصباح نسبت به نیاز روزافزون جامعه اسلامی به معارف اهل‌بیت است که سال‌ها در زمینه تدارک، تأسیس و راه‌اندازی آن تلاش کرد. این مؤسسه که در نوع خود در حوزه علمیه قم بی‌نظیر است، با مساحت وسیع در چند طبقه همراه با امکانات آموزشی و پژوهشی روزآمد و همچنین کتابخانه غنی، مشغول فعالیت است. اینک دو شعبه آن در شهر قم، یکی در مرکز شهر و دیگری در شهرک پردیسان قم، از کارشناسی تا دکترا در رشته‌های مختلف علوم انسانی و فلسفه و کلام و نیز قرآن و حدیث در حال فعالیت هستند.

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی همانند رصدخانه مراغه خواجه نصیر، از جامعیت علمی و پژوهشی مناسب برخوردار است. اگر در رصدخانه خواجه علوم مختلف انسانی و اسلامی و نیز علوم عقلی تعلیم داده می‌شد و مورد تحقیق و پژوهش قرار می‌گرفت؛ در مؤسسه علامه مصباح نیز بیش از آن، علوم عقلی، نقلی، اسلامی و انسانی آموزش داده می‌شود و هم مورد تحقیق و

پژوهش اساسی و بنیادی قرار می‌گیرد. شاید تاکنون هزاران فارغ‌التحصیل و هزاران کتاب و مجله، از این مؤسسه بابرکت به جوامع اسلامی و مخصوصاً جامعه علمی حوزوی و دانشگاهی ارائه شده که هر کدام به‌عنوان مرجع در نشر معارف دینی قابل پذیرش است. بیان مقام معظم رهبری در دیدار با استادان و اعضای هیئت علمی مؤسسه امام خمینی، گواه تأثیرگذاری این مؤسسه در تعلیم و تربیت و اجتماع است: «این مؤسسه خوب، جامع و کامل می‌تواند از لحاظ تلاش پیگیر، خستگی‌ناپذیر، خالصانه و عالمانه‌الگویی برای حوزه باشد» (دفتر ارتباطات فرهنگی، ۱۳۹۹، ص ۵). توصیف عظمت، کارآمدی، خدمات علمی و پژوهشی مؤسسه امام خمینی بیش از این است که در یک مقاله به رشته تحریر درآورده شود. این مؤسسه جامع، بیانگر شخصیت علمی مؤسس آن؛ یعنی علامه مصباح نیز هست؛ چه اینکه کار بزرگ، نشانه بزرگی و شخصیت عالی ایجادکننده و سازنده آن است. بدون اغراق با اقتباس از قرآن کریم می‌توان گفت: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون: ۱۴)؛ یعنی جمال و جلال خدا در انسان متجلی است. شخصیت علمی علامه مصباح نیز در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، کتب، مجلات، مقالات، طرح‌های سنگین پژوهشی از قبیل دائرةالمعارف علوم عقلی و مانند آن، که در این مرکز علمی انجام شده یا در حال اجرا هستند، تجلی یافته است.

بررسی

هرچند رصدخانه مراغه در زمان خود، از آوازه نسبتاً فزاینده‌ای برخوردار بوده و خدمات قابل‌توجهی به علما و میراث علمی مسلمانان در حفظ و نگهداری آثار پیشینیان انجام داده است؛ ولی الحق و الانصاف به مراکز علمی و آموزشی علامه مصباح نمی‌رسد؛ چراکه این مراکز و به‌ویژه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی از مراکز شناخته‌شده در سطح بین‌المللی است؛ هم به لحاظ دانش‌آموختگان که از برخی کشورهای اسلامی در آن حضور دارند و هم از نظر فعالیت‌های علمی و پژوهشی، اختصاص به کشور خاصی ندارد و حتی از آمریکا دانشمندی در آنجا مشغول تحقیق و تدریس است. تربیت شاگردان موفق در این مرکز علمی در همه رشته‌های علوم انسانی اسلامی و نشر کتب ارزشمند در موضوعات گوناگون گواه بر خصوصیت بین‌المللی بودن این مؤسسه است.

ج. تربیت شاگرد

با نظر به تأسیس مجموعه عظیم رصدخانه مراغه و گردآوری علمای اسلام در آنجا و نیز وجود کتابخانه عظیم و همچنین شاگردان پیش گفته، همه دلیل بر فعالیت وسیع آموزشی و تربیتی *خواجه نصیر* است. یقیناً دانشمندان گردآمده از نقاط مختلف بلاد اسلامی در رصدخانه مراغه مشغول آموزش و پژوهش بوده و *خواجه* به عنوان مدیر و هدایت‌گر این مجموعه در گسترش معارف اسلامی نقش اساسی ایفا کرده است. شاگردان *خواجه* در حوزه‌های مختلف علمی تخصص داشته که دلیل بر جامعیت استادشان؛ یعنی *خواجه نصیرالدین* است. فلسفه، فقه و اصول، کلام، تاریخ، ریاضی، نجوم، طبابت، و... گواه بر وسعت علمی و نقش *خواجه* در توسعه علوم عقلی و نقلی و تربیت شاگرد است.

علامه مصباح

از فعالیت‌های مهم و تأثیرگذار در جوامع اسلامی و به‌ویژه مراکز آموزشی و پژوهشی علامه *مصباح*، که مهم و درخور توجه است، شخصیت علم‌افزا و شاگردپروری ایشان است. خیلی از بزرگان حوزوی و دانشگاهی بوده و هستند که خود به لحاظ علمی شخصیت برجسته و بانفوذ در جامعه هستند و آثار گوناگونی هم تدوین و به جامعه علم و دانش تحویل داده‌اند؛ ولی در زمینه شاگردپروری و تربیت شاگردان موفقیت‌چندانی نداشته‌اند. این‌گونه افراد تعدادشان در گذشته و حال اندک نیست و بسیاری از فرهیختگان حوزه و دانشگاه این‌گونه بوده و هستند. اما شخصیت استاد فرزانه علامه *مصباح* در این خصوصیت، ممتاز و منحصر به فرد است. پرورش شاگرد و تربیت نخبگان علمی در دو حیطه حوزه و دانشگاه امری است مورد اهتمام استاد؛ به نحوی که در این زمینه سرمایه‌گذاری عظیمی انجام داده است. تأسیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^۳ و پرورش دانش‌آموختگان خبره و کارشناس در رشته‌های مختلف علمی، گواه این امر است. این مؤسسه باریک، هم به لحاظ تعدد رشته‌های علمی و هم به لحاظ کثرت فارغ‌التحصیلان و دانش‌آموختگان و هم تخصص و مهارت در جمهوری اسلامی و سطح جهان، بی‌نظیر یا کم‌نظیر است. دانش‌آموختگان مؤسسه *آیت‌الله مصباح* در داخل و خارج ایران افراد تأثیرگذار و مقبول و مردمی هستند و در مراکز علمی و سیاسی و اداری جامعه نقش اساسی ایفا می‌کنند (معاونت پژوهشی، ۱۳۸۸). مطالعه عینی در

تربیت شاگرد و بالندگی علمی و اخلاقی شاگردان از دیگر معیارهای مهم در شناخت شخصیت علمی عالمان دینی است که از دیرزمان مورد توجه عموم و به‌ویژه نخبگان جامعه قرار داشته است. دو عالم بزرگ، یعنی *خواجه نصیرالدین* و علامه *مصباح* از معدود عالمانی هستند که در این معیار درخشیده و با پرورش کمی و کیفی مناسب شاگردان به نامی را تحویل جامعه داده‌اند.

خواجه نصیرالدین طوسی

آنچه درباره شخصیت *خواجه نصیر* در منابع علمی و تاریخی وجود دارد، اغلب مطالبی در مورد فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی، تألیفات و ایجاد صلح و امنیت در دوره مغولان است. در زمینه تربیت شاگرد کمتر از ایشان سخن به میان آمده و مدارک چندانی درباره آن در اختیار نیست. البته از مجموع فعالیت‌های *خواجه* می‌توان چنین برداشت کرد که در تربیت شاگرد هم، ایشان موفق بوده و شاگردان به نامی از او نام برده شده است. در *روضات الجنات خوانساری* این‌گونه آمده که *خواجه نصیر* در طول زندگی پربارش، شاگردان بسیاری را تربیت کرد: (۱) علامه *جمال‌الدین حسن حلی*، از جمله شاگردان *خواجه* بوده است. *حلی* از دانشوران بزرگ شیعه بود که آثار گران‌سنگی از خود به جای نهاده است. وی شرح‌هایی نیز بر کتاب‌های *خواجه* نگاشته است. همچنین ده‌ها عالم و دانشمند دیگر در زمره شاگردان *خواجه* ذکر شده است (خوانساری، بی‌تا، ج ۶ ص ۶۰).

در برخی منابع شاگردان دیگری از *خواجه نصیر* ذکر شده که عبارتند از: (۲) *کمال‌الدین عبدالرزاق شیبانی بغدادی* معروف به «ابن فوطی»، او مذهب حنبلی داشت و مدت زیادی از محضر *خواجه علم* آموخت. وی از تاریخ‌نویسان معروف سده هفتم هجری است. (۳) *کمال‌الدین میثم بحرانی*، او حکیم، ریاضیدان، متکلم و فقیه بود. (۴) *محمود کارزونی* معروف به «قطب‌الدین شیرازی»، او از شاگردان ممتاز *خواجه* است که در چهارده سالگی به طبابت پرداخت. سپس به شهرهای مختلف سفر کرد و علم هیئت و *اشارات ابن سینا* را از محضر *خواجه نصیر* فرا گرفت. (۵) *سیدرکن‌الدین استرآبادی*، او از شاگردان و همراهان خاص *خواجه* بود و شرح‌هایی بر کتاب‌های استاد خویش نوشت و علاوه بر تواضع و بردباری، از احترامی فراوان در میان مردم و علما برخوردار بوده است (دانشنامه آزاد).

ایشان در اختیار نیست. اما آنچه در علامه مصباح شاهد بوده و دیدیم، شاگردپروری از ویژگی‌های بارز این علامه بزرگوار است که امروزه در کمتر عالمی در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها می‌توان آن را مشاهده کرد. همان‌گونه که شخص ایشان از گستره وسیع علمی بهره‌مند بود، ژرف‌نگری نیز داشت و مطالب و مناظرات علمی را قوی و مستدل بیان می‌کرد. تقریباً در همه رشته‌های علوم عقلی و نقلی شاگردانی را تربیت کرده است. به لحاظ کمی هم دانش‌آموختگان آیت‌الله مصباح از مؤسسه در راه حق، بنیاد فرهنگی باقرالعلوم و مؤسسه امام خمینی^ع شاید به صدها، بلکه هزاران تحصیل‌یافته برسند که در اغلب کشورهای اسلامی و غیراسلامی صاحب کرسی تدریس و تبلیغ و اجرای برنامه‌های دینی و تربیتی هستند.

آثار علمی

معیار مهم در ارزیابی شخصیت علمی علما و دانشمندان، آثار قلمی به‌جای مانده از آنهاست که هم کمیّت و هم کیفیت تألیفات بیانگر عظمت و عمق علمی صاحبان اثر است. *خواجه نصیرالدین* و علامه مصباح از این امتیاز به نحو احسن برخوردارند و هرکدام آثار عمیق علمی در حوزه‌های گوناگون به یادگار گذارده، که نشانه وسعت و ژرفای دانش آن دو بزرگوار است.

خواجه نصیرالدین طوسی

خواجه نصیر آثار فراوانی در رشته‌های گوناگون علمی و دانش بشری از خود به یادگار گذارده که به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه شده و در تمام کتابخانه‌های معتبر جهان تعدادی از این آثار کم‌وبیش وجود دارند (خواندمیر حسینی، ۱۳۳۳، ج ۳، ص ۱۵۹). اهل تراجم و سیره‌نویسان و تمام کسانی که در مورد شخصیت *خواجه نصیر* قلم زده‌اند، آمار و ارقام متفاوتی از آثار ایشان ارائه داده؛ برخی ۱۰۰ عنوان، بعضی ۱۶۰ و برخی دیگر تا ۲۷۴ اثر را به محقق *طوسی* نسبت داده‌اند (فرحات، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۷۳). شاید علت تفاوت آمار تألیفات *خواجه* گستردگی قلمرو مؤلفات ایشان بوده که در زمینه‌های مختلف علمی به شکل کتاب، رساله، مقاله، پاسخ به سؤالات و احیاناً گفت‌وگوهای مستقیم و مناظرات مذهبی ارائه شده است. به احتمال قوی، بعضی از سیره‌نویسان، رساله‌ها و مقالات *خواجه* را مستقلاً در شمار تعداد تألیفات ایشان، به حساب نیاورده و یا عناوین مشابه را

مراکز علمی، پژوهشی، اداری، قانون‌گذاری و مانند آن در همه جوامع اسلامی، گواه بر حضور دانش‌آموختگان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع در آن مراکز است.

نگارنده به‌عنوان فارغ‌التحصیل در رشته علوم تربیتی از مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع و اهل افغانستان، مناسب است اندکی به کمیّت و کیفیت تربیت‌یافتگان علامه مصباح در این کشور اشاره کند. از آغاز فعالیت آموزشی علامه مصباح در مؤسسه در راه حق با وسعت نظر ایشان هر سال تعداد زیادی از طلاب افغانستان در آن مؤسسه پذیرش شدند. بدین ترتیب، سالانه در هر گروه آموزشی علاقه‌مندان از طلاب افغانستان ضمن دروس حوزوس همراه با طلاب ایرانی در آن مؤسسه مشغول تحصیل علوم جدید شدند. همچنین طلاب افغانستان در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع در رشته‌های مختلف علمی و در سه سطح کارشناسی، ارشد و دکترا حضور فعال داشته و دارند. شاید تاکنون صدها طلبه و دانشجوی افغانستانی از این مراکز علمی وابسته به علامه مصباح در حال تحصیل هستند، یا فارغ‌التحصیل شده‌اند.

فارغ‌التحصیلان افغانستان به لحاظ کیفی، هم قابل توجه است و در رشته‌های گوناگون علوم اسلامی انسانی، فلسفه و کلام و مانند آن در این مؤسسه تحصیل کرده و در کشور افغانستان مشغول به کار شده‌اند. بسیاری از این فارغ‌التحصیلان در حوزه‌های تحصیلی خود صاحب‌نظر هستند و می‌توانند در رشته‌های گوناگون علمی پاسخگوی سؤالات دانشجویان و تحصیل‌یافتگان دانشگاه‌های افغانستان باشند. اگر یک مطالعه میدانی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی - اداری افغانستان بیندازیم، تعداد زیادی از دانش‌آموختگان و شاگردان علامه مصباح در آن مراکز از ارگ ریاست جمهوری، تا وزارتخانه‌ها و دانشگاه‌ها مشغول تدریس، تحقیق و کارهای اجرایی هستند. از شاگردان آیت‌الله مصباح در دانشگاه‌های دولتی و خصوصی افغانستان تا مجلس شورای قانون‌گذاری و ادارات دولتی حضور فعال دارند. اغلب استادان دانشگاه‌های خصوصی کابل، هرات، مزار شریف، بلخ، غزنی و دیگر شهرهای افغانستان راه تربیت‌یافتگان علامه مصباح تشکیل می‌دهند.

بررسی

هرچند شاگردان بزرگی مانند علامه *حلی* منسوب به *خواجه نصیر طوسی* است؛ ولی به دلیل دوری زمان، جزئیاتی از تعلیم و تربیت

فلسفه دین؛ ۵) اخلاق و عرفان در زمینه فلسفه اخلاق، مباحث اخلاقی، شرح روایات اخلاقی، عرفان و نقد مکاتب اخلاقی؛ ۶) علوم انسانی در تبیین فلسفه علوم انسانی، مدیریت، علوم سیاسی، حقوق و جامعه‌شناسی؛ ۷) اجتماعی و فرهنگی در مورد انقلاب اسلامی، گروه‌های اجتماعی و فرهنگی (مصباح یزدی، ۱۳۸۸ الف).

آنچه در این فهرست ارائه شد موضوعاتی هستند که علامه مصباح در این باب آنها سخن گفته، بحث علمی ارائه داده و قلم زده است. آثار نشریافته علامه مصباح بیش از صدها کتاب است که نام بردن از آنها در این مقاله ضرورت ندارد. به هر حال، این موضوعات کلی خود بیانگر گستره علم و دانش و ژرفای معرفتی استاد فرزانه است؛ زیرا توسعه علم و دانش ایشان تقریباً اکثر حوزه‌های دانش عقلی و نقلی از فلسفه تا سیاست، مدیریت و تربیت را شامل است. عمق علمی علامه مصباح نیز از مطالعه و دقت در محتوا و متن آثار ایشان قابل استنباط است. به عنوان نمونه کتاب گران سنگ **نقد و بررسی مکاتب اخلاقی** از علامه مصباح یزدی، ضمن دسته‌بندی مناسب مکاتب‌های اخلاقی، تبیین نفس این مکاتب‌ها، نقد عالمانه همراه با دلایل منطقی و عقل‌پسند هر مکتب اخلاقی و سرانجام تبیین مستدل و روشنگرانه نظریه اخلاقی اسلام، نشانه عمق علمی و ژرف‌نگری ایشان است. چه اینکه شرایط نظام اخلاقی اسلام، رابطه اخلاق و جهان‌بینی، معیار ارزش‌گذاری افعال اخلاقی، اصول تبیین نظام اخلاقی اسلام، عناصر اصلی نظریه اخلاقی و ویژگی‌های نظام اخلاقی اسلام، به صورت مستدل، وافی و کافی در این اثر تبیین شده است (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۴).

تجزیه و تحلیل

پس از مقایسه شخصیت علمی دو عالم فرزانه، بین‌المللی، جامع علوم عقلی و نقلی؛ یعنی **خواجه نصیرالدین طوسی** و **علامه مصباح**، مناسب است با استفاده از مطالب ارائه‌شده، تحلیلی، هرچند کوتاه ضمیمه مقاله گردد؛ تا هم بر جامعیت و غنای نوشتار افزوده گردد و هم برای خوانندگان مفیدتر باشد. در این فراز از مقاله شایسته است از جهاتی به بیان چند ویژگی از شخصیت علمی علامه مصباح اشاره شود: اولاً، نگارنده سال‌ها از دروس عمومی و گاه بیانات خصوصی علامه مصباح بهره برده، خود را مدیون برکات علمی و اخلاقی آن بزرگوار می‌داند. ثانیاً، تجربه‌های گران‌سنگ مؤسسه در راه حق، بنیاد فرهنگی

ادغام کرده‌اند. از این‌رو، در ارائه آثار خواجه به عناوین کتب بسنده کرده و آمار کمی را ذکر کرده‌اند. برعکس، بعضی دیگر از تاریخ‌نگاران هر عنوانی را اعم از کتاب و مقاله اثر مستقل شمرده و در نتیجه تعداد بیشتری را به خواجه نسبت داده‌اند. به هر جهت، تفاوت زیادی در این زمینه به چشم نمی‌خورد. آنچه مهم است اینکه آثار به‌جامانده از **خواجه طوسی** از میزان بالا و تنوع کم‌نظیری برخوردارند و هر کدام از آثار ایشان تاکنون به‌عنوان یک منبع معتبر علمی در میان اهل علم و فضل مطرح بوده و هست. در حوزه اخلاق و تربیت، مهم‌ترین آثار خواجه، کتب ارزشمندی همچون **اخلاق ناصری**، **اوصاف الاشراف**، **دو رساله در اخلاق**، و **آداب‌المتعلمین** است که علم اخلاق، تربیت اولاد، تهذیب نفس، روش‌ها و مسائل گوناگون مربوط به پرورش فرزند را به‌خوبی بیان کرده و در هر زمینه توصیه‌های لازم را به مریبان ارائه داده است. جز اینها، آثار دیگری در زمینه فلسفه، ریاضی، هئیت و نجوم، کلام و مانند آن نیز از خواجه نصیر ذکر و در منابع مختلف ثبت شده است (ر.ک: یادنامه خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۳۶).

علامه مصباح

علامه مصباح از معدود بزرگان علمی و صاحب‌نظر در علوم دینی و انسانی است که همگان به تخصص و آگاهی دقیق و وسیع ایشان در رشته‌های مختلف علوم انسانی اسلامی اذعان دارند. ایشان آثار متعدد، جامع و فراگیر در زمینه‌های گوناگون دانش اسلامی و بشری متناسب با شرایط روز به یادگار گذاشته که نظریات دقیق و علمی آن بزرگوار راه‌گشایی بسیاری از پرسش‌های روز دنیا و نسل جوان است. در زمینه علوم عقلی و نقلی، آثار متنوعی از ایشان انتشار یافته است. این مقاله درصدد بررسی همه آثار استاد نیست؛ چون توصیف آنها در یک مقاله نمی‌گنجد؛ بلکه تنها به فهرست آثار که در ابتدای اغلب کتب ایشان آمده، بسنده می‌کند.

در اول کتاب **وزین شرح نه‌ایه‌الحکمه** از مجموعه آثار علامه مصباح، موسوم به «مشکات»، فهرستی این‌گونه از آثار ایشان آمده است: (۱) تفسیر و علوم قرآن، شامل تفسیر موضوعی، تربیتی و علوم قرآن؛ (۲) گفتار و سیره معصومان مشتمل بر شرح روایات و سیره معصومان علیهم‌السلام؛ (۳) فلسفه و منطق در حوزه فلسفه اسلامی، فلسفه تطبیقی و منطق؛ (۴) کلام و فلسفه دین بر محور کلام اسلامی و

این همه آثار علمی و مراکز بابرکت آموزشی و پژوهشی حاکمی از اخلاص آن مرد بزرگ است. همچنین اثربخشی، تأثیرگذاری و شهرت جهانی شخصیت *آیت‌الله مصباح* و نیز گستردگی خروجی‌های مراکز آموزشی و پژوهشی تحت مدیریت ایشان در کشورهای مختلف، دلیل بر انگیزه خالصانه ایشان است. چه اینکه هرگاه فعالیتی با انگیزه‌ی خدایی انجام گیرد، از تأثیرگذاری و ماندگاری مطلوبی برخوردار می‌باشد. علامه مصباح با استناد به موعظه پیامبر اکرم ص به *بازر* در مورد آثار وجودی انسان صالح می‌فرماید: «پیامبر آثاری را برای اعمال خیر و شایسته بیان می‌کنند که دور از تصور است و انسان انتظار و توقع ندارد که اعمال خیر او، آن آثار شایسته را داشته باشد» (مصباح، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۴۹).

ژرفنگری

از ویژگی‌های مهم علمی و شخصیتی علامه مصباح، بدون شک ژرفنگری و عمق‌بخشی به مطالب علمی است. به بیان خود ایشان، «پیشرفت علم همیشه با تلاش افراد سخت‌کوش و خستگی‌ناپذیر و کنجکاو و ژرف‌نگر حاصل شده و خواهد شد و هیچ‌گاه هیچ فرد یا جامعه‌ای با سطحی‌نگری و تنبلی و راحت‌طلبی به جایی نرسیده و نخواهد رسید» (مصباح، ۱۳۸۶، ص ۱۱۷). رهبر معظم انقلاب از این ویژگی و امتیاز ژرفنگری *آیت‌الله مصباح* یاد کرده و می‌فرماید: «{علامه مصباح} با این وزانت علمی و عمق علمی و احاطه و وسعت و با این آگاهی و بینش و صفا» (دفتر ارتباطات فرهنگی، ۱۳۹۹، ص ۵). اینها امتیازاتی هستند که در زبان رهبر معظم انقلاب آمده و نشانه‌دهنده ژرفنگری ایشان در موضوعات گوناگون علوم اسلامی و انسانی و دانش‌های عقلی است.

برهمن‌اساس، ایشان در یک موضوع خاص که ورود می‌کرد، تمام ابعاد و جنبه‌های مختلف آن را به صورت وافیه بررسی و هرگونه شبهه یا پرسش احتمالی را پیشاپیش پاسخ داده است. برای مثال، در کتاب *پرسش‌ها و پاسخ‌ها* (مصباح، ۱۳۸۸ ج) از صفحه ۲۷۱ تا انتها در مباحث مربوط به زن، این کار را انجام داده است. آفرینش زن، تساوی زن و مرد در آفرینش، تفاوت‌های زن و مرد، عقل زن، برتری مرد بر زن، خطاب‌های مذکر در قرآن، نسبت تفاوت‌های تکوینی با قانون و حقوق زن، فلسفه احکام زنان، حقوق مدنی زنان و... به صورت مفصل در این کتاب از صفحه ۲۶۵ تا ۳۳۳ بیان شده است. دقت در این مطالب بسیاری از شبهات و پرسش‌ها در مورد زنان را جواب خواهد داد.

باقرالعلوم و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع که عاید نویسنده شده، بس ارزشمند و ماندگار است که انشاء الله تا پایان عمر همراه خواهد بود. ثالثاً، *خواجہ نصیرالدین* مربوط به قرن هفتم هجری است؛ با وجود بلندآوازی و شهرت جهانی که دارد، منابع نسبتاً کمی در مورد ایشان در اختیار است؛ ولی علامه مصباح از استوانه‌های علمی معاصر است که همه تربیت‌یافتگان، حضوراً و غیاباً از تجلیات علمی ایشان بهره‌مند بوده و منابع فراوانی از فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و ترویجی مربوط به آن استاد در دسترس قرار دارد.

امتیازات شخصیتی و علمی علامه مصباح

هرچند امتیازات شخصیتی و علمی علامه مصباح فراوان و بیان آنها نیازمند زمان و ظرفیت بیشتر است و این مقاله درصدد احصای همه آنها نیست؛ ولی حداقل به چند نمونه از آنها به صورت اختصار اشاره می‌شود. این امتیازات از مطالعات آثار نوشتاری و مشاهدات عینی فعالیت‌های علمی علامه مصباح به دست آمده است.

انگیزه دینی و الهی

نخستین امتیاز شخصیتی و علمی علامه مصباح، انگیزه دینی و الهی است. استاد است که این ویژگی از رفتار و گفتار ایشان به‌سادگی قابل دریافت است. بدون تردید می‌توان گفت: همه فعالیت‌های علمی ایشان براساس وظیفه دینی و اسلامی صورت گرفته و هیچ‌گونه قصد و هدفی دیگر در آن دخیل نبوده است. ایشان کمال انسان را به انگیزه دینی و تقرب به خدای متعال دانسته می‌فرماید: «از دیدگاه اسلام، کمال انسان و رسیدن به آرزوهای نهایی‌اش در سایه تقرب به درگاه خداوند متعال به دست می‌آید» (مصباح، ۱۳۹۱، ص ۷۳). علامه مصباح شخصی است که رسیدن به کمال و دستیابی به آرزوی نهایی خویش را در تقرب به حق تعالی جست‌وجو می‌کند که خود مبتنی بر انگیزه دینی و الهی است. به نظر ایشان بدون انگیزه الهی، تقرب به خدای متعال ناممکن است و هیچ‌کس با نیت‌های مادی و شیطانی به مقام قرب خداوند نمی‌رسد. در همین زمینه در کتاب *گران‌سنگ اخلاق در قرآن* می‌نویسند: «از دیدگاه اسلام، کار اخلاقی و ارزشمند، کاری است که صرفاً برای تحصیل رضای خداوند انجام می‌گیرد» (مصباح، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۰۸).

مطالعه میدانی آثار علمی، مدیریتی، تربیتی و... علامه مصباح نیز خلوص نیت ایشان در نشر معارف اسلامی را نشان می‌دهد؛ چراکه

همچنین علامه مصباح در کتاب *طوفان فتنه و کشتی بصیرت* (مصباح، ۱۳۹۰) ابعاد مختلف فتنه را به تفصیل تبیین کرده است.

سبک خاص

از امتیازات ویژه علامه مصباح در ارائه مباحث علمی اعم از گفتاری، نوشتاری و محاورات و مناظرات علمی، داشتن سبک خاص است که کمتر عالمی در این عصر و زمان دارای چنین ویژگی مشاهده می‌شود. بیان تحلیلی رسا در گفتار، تبیین مباحث پیچیده علمی و پژوهشی در نوشتار و نیز زبان ساده و بدون ابهام در محاوره از ویژگی‌های سبک ترویجی علامه مصباح در نشر معارف اسلامی است. این ویژگی از بیانات ایشان در سخنرانی‌ها و ارائه مطالب علمی به صورت عمومی و خصوصی به خوبی قابل دریافت بود. درس اخلاق هفتگی علامه مصباح در دفتر مقام معظم رهبری (قم) نشان‌دهنده سبک خاص ایشان در بیان مطالب اخلاقی با استناد به آیات و روایات بوده که مخاطبان را تحت تأثیر قرار داده، به فکر و تأمل در معارف و ارزش‌های اسلامی وامی‌داشت.

علامه مصباح در گفت‌وگوی تربیت دینی دو سبک بیان را مطرح می‌کند که هر کدام در حوزه تعلیم و تربیت کاربرد خود را دارد. سبک عمل‌گرایانه که طرف‌داران آن در جست‌وجوی نتایج عملی تعلیم و تربیت هستند. اگر مثلاً تربیت اخلاقی را برنامه‌ریزی، اجرا و به مرحله عمل می‌رسانند، به منظور این است که تربیت‌جویان از این جهت رشد مطلوب داشته باشند. سبک نظری و تحلیلی در تعلیم و تربیت روش دوم است که درصدد تبیین مفاهیم، مؤلفه‌ها، مبانی، اهداف، اصول و مانند آن است، تا ابهامی در این واژگان اصلی تربیت اخلاقی نباشد. ایشان روش دوم را در ارائه مباحث انتخاب و در همه آثار و حتی بیان و محاوره علمی بر آن پایبند بوده است (ر.ک: مصباح، ۱۳۸۸، ص ۲۶). سبک تحلیلی علامه مصباح در تمامی آثار مکتوب ایشان مانند *آموزش فلسفه* برای هر پژوهشگر و جوینده حقیقت قابل مشاهده است.

بلندهمتی

آنچه از طرح‌ها، برنامه‌ها، گفته‌ها، مشاهدات میدانی مراکز علمی و پژوهشی مربوط به علامه مصباح قابل برداشت است، همت بلند و آینده‌نگری ایشان است که این امر، در گستره فعالیت‌های علمی و ترویجی آن بزرگوار به‌روشنی مشاهده می‌شود. روند تکاملی و رو به افزایش کمی و کیفی آموزش‌های علامه مصباح از زمان شروع در

مدرسه حقانی، سپس مؤسسه در راه حق، بنیاد فرهنگی باقرالعلوم و در نهایت مؤسسه بابرکت آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع گواه معتبر بر بلندهمتی و آینده‌نگری ایشان است. البته این امتیاز را همکاران، مشاوران و نزدیکان علامه مصباح در امور اداری و برنامه‌ریزی که حشر و نشر دائم با ایشان داشتند و از تصمیمات استاد اطلاع کامل دارند، بیش از دیگران اذعان خواهند کرد. درعین حال تا آن حدی که نگارنده از بیانات آن استاد سفر کرده در ایام تحصیل به خاطر دارد، از جمله توصیه‌های ایشان به برنامه‌ریزان، برنامه‌ریزی‌های بلندمدت در افق ۱۵ سال و بیست سال بوده که در زمینه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری همواره این توصیه را داشته است (مصباح، ۱۳۸۶، ص ۱۲۴).

اندیشه بین‌المللی

اندیشه بین‌المللی علامه مصباح ناشی از ویژگی‌های یادشده ایشان، نظیر انگیزه الهی و بلندهمتی است که در فعالیت‌های علمی و پژوهشی استاد به‌روشنی قابل دستیابی است؛ چراکه کار برای دین و رضای خدا هیچ محدودیت زمانی و مکانی را نمی‌پذیرد؛ بلکه اقتضای افق فراملیتی و جهانی دارد. همان‌گونه که در طول فعالیت‌های آموزشی علامه مصباح از مؤسسه در راه حق تاکنون از تمامی ملیت‌های متقاضی تحصیل در علوم جدید پذیرش شده و همگام با طلاب ایرانی به کسب علم پرداخته‌اند. برخلاف بسیاری از مراکز آموزشی حوزوی و دانشگاهی که این وسعت نظر را نداشته و ملیت و جغرافیا را ملاک پذیرش متقاضی قرار داده‌اند. طبیعی است که اندیشه بین‌المللی، آثار بین‌المللی را به‌دنبال دارد و براین اساس، امروزه شاهد حضور دانش‌آموختگان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع در اکثر کشورهای جهان هستیم.

مدیریت قوی

علامه مصباح با اینکه در اندیشه علمی و پژوهشی و شاگردپروری شهرت یافته؛ ولی درعین حال ایشان از مدیریت قوی و مؤثری نیز بهره‌مند بوده است. چنان‌که رهبر معظم انقلاب در پیام تسلیت به مناسبت ارتحال *آیت‌الله مصباح*، با عنوان «مدیری شایسته» از ایشان تجلیل کرده است (دفتر ارتباطات فرهنگی، ۱۳۹۹، ص ۶). این تعبیر رهبر معظم انقلاب که به فرموده خودشان، رفاقت چهل ساله (همان، ص ۵) با علامه مصباح داشته است؛ بیانگر توان مدیریتی و قدرت ساماندهی نیروی کاری در مرکز مهم علمی، یعنی

منابع.....

اعسم، عبدالامیر، ۱۹۸۰م، *الفلسوف نصیر طوسی*، بیروت، دارالاندلس.
 آذرتاش، آذرنوش، ۱۳۸۱، *فرهنگ معاصر (عربی - فارسی)*، تهران، نشر نی.
 خواندمیر حسینی، غیاث‌الدین، ۱۳۳۳، *تاریخ حبیب السیر*، تهران، کتابخانه خیام.
 خوانساری، محمدباقر، بی‌تا، *روضات الجنات*، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، قم، اسماعیلیان.
 دانشنامه آزاد (ویکی‌پدیا)، در: <https://fa.wikipedia.org>
 دفتر ارتباطات فرهنگی، ۱۳۹۹، *ویژه‌نامه ارتحال علامه مصباح*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 دوانی، علی، ۱۳۶۴، *مفاخر اسلام*، تهران، امیرکبیر.
 سعدی شیرازی، مصلح‌الدین، ۱۳۵۹، *بوستان سعدی*، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، انجمن زبان و ادبیات فارسی.
 شوشتی، قاضی نورالله، ۱۳۷۶ق، *مجالس المؤمنین*، تهران، کتابفروشی اسلامی.
 صنعتی، رضا، ۱۳۸۷، *تکتمان مصباح*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
 طبرسی، احمدبن علی، ۱۳۸۱، *الاحتجاج*، ترجمه بهزاد جعفری، تهران، اسلامی.
 طوسی، خواجه نصیرالدین، ۱۳۳۵، *مجموعه رسایل، رساله سیر و سلوک*، تهران، دانشگاه تهران.
 عرب خراسانی، علی، ۱۳۸۹، *درسنامه صرف*، قم، المصطفی.
 عربی، حسین، ۱۳۸۱، *حقیقت تشرق*، قم، زلال کوثر.
 غیائی کرمانی، محمود، بی‌تا، *تهذیب نفس*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
 فرحات، هانی نعمان، ۱۴۰۶ق، *نصیر الطوسی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 قمی، عباس، بی‌تا، *فوائد الرضویه*، تهران، کتابخانه مرکزی.
 مدرسی رضوی، محمدتقی، ۱۳۷۰، *احوال و آثار خواجه نصیر طوسی*، تهران، اساطیر.
 مصباح، محمدتقی، ۱۳۷۰، *آموزش فلسفه*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
 _____، ۱۳۸۴، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، تحقیق احمدحسین شریفی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 _____، ۱۳۸۵، *پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 _____، ۱۳۸۶، *مباحث درباره حوزه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 _____، ۱۳۸۷، *ره توشه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 _____، ۱۳۸۸الف، *مشکات*، نگارش عبدالرسول عبودیت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 _____، ۱۳۸۸ب، *اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 _____، ۱۳۸۸ج، *پرسش‌ها و پاسخ‌ها*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 _____، ۱۳۸۸د، *تربیت دینی در جامعه معاصر*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 _____، ۱۳۹۰، *طوفان فتنه و کشتی بصیرت*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 _____، ۱۳۹۱، *اندیشه‌های بنیادین اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 معاونت پژوهشی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸، *خبرنامه پژوهشی*.
 نعمت، عبدالله، ۱۳۶۷، *فلاسفه شیعه*، ترجمه جعفر غضبان، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
 یادنامه خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۳۶، تهران، دانشگاه تهران.

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع و امثال آن است که در قلم رهبر معظم انقلاب به خوبی تجلی یافته است.
 علامه مصباح با مقایسه میان مدیریت در نظام اسلامی و نظام مادی در استفاده از نیروی انسانی، بر این باور است که ارزش‌های اسلامی باید در همه مراحل مدیریت و بهره‌گیری از کارگر رعایت گردد. از این رو، پیشرفت اقتصادی به نظر ایشان برای تکامل روحی، معنوی و اخلاقی و عملی جامعه است. مثلاً بالا رفتن سطح آموزش و پرورش، توجه بیشتر به طبقات محروم جامعه، کسب درآمدهای افزون‌تر حلال و استفاده بهینه از نعمت‌های خدا، به نظر علامه مصباح از معنویاتی است که در اثر مدیریت صحیح و پیشرفت اقتصادی میسر می‌شوند. در حالی که در نظام مادی این مسائل مطرح نیست و بهره‌کشی از کارگر حد و حصری ندارد. در این نظام به سلامت، تربیت فرزندان، ارزش‌های معنوی توجه نمی‌شود (مصباح، ۱۳۸۵، ص ۲۵۴). علامه مصباح با این اندیشه مدیریتی به اداره آموزشی و پژوهشی مراکز تحت اختیار پرداخت و با خروجی‌های مناسب به نتایج مطلوب جهانی نائل آمد.

نتیجه‌گیری

از آنچه در این مقاله گفته شد، ضمن پاسخ به پرسش‌های مطرح شده در ابتدای بحث، در یک مقایسه چندوجهی امتیازات نسبتاً مشابه دو شخصیت علمی شیعی که هر دو شهرت جهانی دارند؛ یعنی خواجه نصیرالدین طوسی و علامه مصباح یزدی، تا حدودی روشن گردید. معلوم شد که آن دو شخصیت بزرگ جهان اسلام و حتی عالم بشریت، با وجود فاصله زمانی طولانی، از لحاظ تحصیلات، مقام علمی، فعالیت‌های علمی، تربیت شاگرد و آثار علمی، تقریباً نزدیک به هم بوده‌اند. این شباهت‌ها یقیناً ناشی از انگیزه و هدف یکسان آن دو دانشمند بین‌المللی است که هم خواجه نصیرالدین و هم علامه مصباح، هدفی جز نشر معارف اسلام و بیدارسازی جامعه اسلامی نداشته‌اند. ماندگاری و اثربخشی فعالیت‌های این عالم دینی نیز ناشی از همین نیت الهی آن دو بزرگوار بوده است. در نهایت آنچه گذشت قطره‌ای است از دریای وجودی بابرکت آن دو شخصیت علمی که جهان تشنه را سیراب کرده‌اند. در نهایت، به نظر نگارنده علامه مصباح به دلایلی، بر دیگر شخصیت‌های علمی و همچنین خواجه نصیرالدین، برتری دارد که به امتیازات ایشان هم در لابه‌لای مقاله و هم در تجزیه و تحلیل به آنها اشاره شد.